

۱۷ شهریور

روز قهرمانی‌های خلق ، گرمی باد

روز جمعه ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷ ارتش سرکوبگر به دستور فرماندهان  
مزدور شاه جلاد در تظاهرات گسترده و پرشکوه چهاردهم و شانزدهم شهریور  
و بطور کلی از گسترش دامنه مبارزات خلقهای ایران به وحشت افتاده بودند ،  
به سوی هزاران تن از مردمی که با شعار " ارتش برادرماست " تظاهرات  
می کردند ، آتش گشوده و صدها تن از صادقترین ، مبارزترین و فداکارترین  
زنان و مردان ما را به شهادت رساند . جلادان و مزدوران پس از کشتار مردم

در میدان شهدا به خانه‌های اطراف میدان ریختند و مردمی را که در آنجا پناه گرفته بودند به رگبار بستند. مزدوران حتی بدروی کسانی که برای کمک به زخمی‌ها اقدام می‌کردند آتش رگبار می‌گشودند. بدون تردید زبان قلم از وصف درندگی‌ها و سفاکی‌هایی که مزدوران امپریالیسم در ۱۷ شهریور، مرتکب شدند عاجز است.

در این روز خلق ما یکبار دیگر این واقعیت انکارناپذیر را عمیقاً لمس کرد که ارتشی که شالوده‌آ آن بر حفظ منافع امپریالیسم دوخته‌شده و خصوصیات آن با اطاعت کورکورانه، عدم شرکت در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی، جدائی از زحمتکشان و وابستگی به سلاحها و آموزشهای امپریالیسم مشخص می‌گردد نه تنها هرگز برادر مردم نخواهد بود، بلکه برعکس چنین ارتشی مستقیماً "دشمن کارگران و زحمتکشان شهر و روستا و مدافع منافع استثمارگران و ستمگران است سربازان و درجه‌داران آگاه و مردمی که در صحنه کشتار شاهد قتل هول‌انگیز مردم بودند، هرچند نتوانستند مانعی جدی در برابر یورش وحشیانه مزدوران پدید آورند، اما با نثار خون پاک خود و عدم اطاعت از دستور فرماندهان مزدور به دنیا و مردم ما نشان دادند که توده‌های ارتش نیز به تدریج آگاه می‌شوند و در برابر اطاعت کورکورانه و سرکوب مردم به اعتراض برمی‌خیزند. سرکوبگران کوردل در آن زمان پنداشته بودند که کشتار دسته‌های انبوهی از مردم در میدان شهدا، خلق را مرعوب و ساکت خواهد ساخت، اما دیدیم که دشمنان تا چه حد در اشتباه بودند و چگونه در فردای کشتار ۱۷ شهریور حرکت سراسری و شکوهمند کارگران و زحمتکشان و در پیشاپیش آنها کارگران قهرمان صنایع نفت، پرچم مبارزات ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری خلقهای ایران را برافراشته نگهداشت و چگونه آشفشانی که در میدان شهدا دهان باز کرد سرانجام رژیم منفور

شاهنشاهی را به گور سپرد .

۱۷ شهریور نمونه بارزی از سفاکی و درنده‌خوئی ارتشی است که با اطاعت کورکورانه، دوری از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و وابستگی به سلاحها و آموزشهای امپریالیسم سازمان یافته است و نیز حماسه‌جاودانه‌ای از مبارزات دلاورانه مردم زحمتکش علیه ستمگران و استثمارگران داخلی و خارجی است .

مردم زحمتکش .

هفده شهریور مهمتر از هر چیز بیانگر این واقعیت بسیار مهم در تاریخ پرافتخار خلق ماست ، که خلقهای بدپا خاسته را هرگز نمی‌توان بانوپ ، تانک و مسلسل به زانو درآورد و زبان زور در برابر اراده خلل‌ناپذیر خلقها و در برابر حرکت درنگ‌ناپذیر تاریخ زبون و درمانده است .

رژیم با کشتار دسته‌جمعی مردم در میدان شهدا کوشید مردم مبارز ما را مرعوب ساخته و بدینسان از سقوط حتمی خود جلوگیری کند ، اما از فردای هفده شهریور ، مبارزات قهرمانانه و یکپارچه خلقهای ما اوج تازه‌ای به‌خود گرفت و مردم دریافته‌اند که قهر ضد انقلابی را تنها با قهر انقلابی می‌توان پاسخ داد و به همانگونه نیز مردم سرانجام با قهر انقلابی و حماسه آفرین خود شاه و رژیم منفور شاهنشاهی را به گور سپردند .

خلقهای ما امروز با پشتوانه غنی و تجارب گرانبها که از روزهایی چون هفده شهریور کسب کرده‌اند ، به‌خوبی از خطراتی که ارتش و نهادهای ضد مردمی رژیم گذشته برای جنبش دارند ، آگاهند و به‌دلیل همین آگاهی است که به زعم همه تبلیغات وسیع و عوام‌فریبانه‌ای که می‌شود ، مردم هرگز به نهادهای رژیم گذشته ، به ویژه ارتش ، اعتماد نخواهند کرد . این تجارب را مردم با نثار خون دهها هزار تن از رزمنده‌ترین و شریف‌ترین هم‌زمان خود به‌دست آوردند و آنرا هرگز از خاطر نخواهند برد . زمامدارانی که امروز به قدرت رسیده‌اند می‌کوشند و در آینده نیز بیش از پیش خواهند

کوشید تا خاطره قتل عام هفده شهریور و دیگر قتل‌عامهای نظیر آن را از ذهن نوده‌ها محو کنند، ماهیت ضد مردمی ارتش کنونی را پوشیده داشته و بر نظام کورکورانه ارتش آب تطهیر بریزند. آنها که به خاطر ماهیتشان خیلی خوب می‌دانند که در آینده‌ای نه‌چندان دور دیگر نخواهند توانست به حمایت نوده‌ها متکی باشند امروز بدون هیچ برده‌پوشی، این چماق سرکوب را با همان کیفیت و سازمان گذشته حفظ کرده و به کار می‌گیرند غافل از آنکه میان ارتش ضد خلقی و فرماندهان مزدور آن، و مردم ما دریایی از خون شهدا فاصله است و آنها به عبث می‌کوشند چنین فاصله‌ای را با تبلیغات و عوام‌فریبی پرکنند. اینک در نخستین سالگرد سرکوب خونین هفده شهریور، سربازان، درجه‌داران، همافران و افسران میهن‌پرستی که در طی ماهها قیام خونین مردم به مبارزه با ارتش ضد خلقی پرداخته‌اند، مورد تائید هیئت حاکمه کنونی نیستند. پرسنل انقلابی ارتش که خواستار تغییر بنیادی ارتش هستند، امروز از طرف ارتجاع حاکم "ضد انقلاب" خوانده شده و به جوخه‌های اعدام سپرده می‌شوند. فرماندهانی که خواستار حفظ و اداره ارتش به همان شیوه‌های گذشته هستند دوباره به قدرت بازگشته و به‌عنوان "انقلابی" و نیروهای وفادار به مردم مورد توصیف و تعریف قرار می‌گیرند. اینک در نخستین سالگرد سرکوب خونین هفده شهریور، هیئت حاکمه کنونی به خواسته‌های بر حق خلق کرد، چون گذشته مارک "تجزیه - طلبی" می‌زند و به‌جای پذیرفتن راه حل سیاسی فرمان‌کشتار مردم کردستان و انقلابیونی که از منافع زحمتکشان کرد دفاع می‌کنند، می‌دهد. شهرها بمباران می‌شود و از زمین و هوا اجتماعات با رگبار مسلسل به خون کشیده می‌شود. و هفده شهریورهای تازه‌ای می‌آفریند.

اینک در نخستین سالگرد سرکوب خونین ۱۷ شهریور همه آزادی‌هائی که مردم به خاطر آن جنگیده‌اند، یکی پس از دیگری نابود می‌شود و سازمانها و نیروهای انقلابی که پیشاپیش مردم برای سرنگونی رژیم بیکار کرده و آن

همه جنبازی از خود نشان داده‌اند. حتی وقیحانه‌تر از دوران شاه ضد انقلابی و خرابکار و ایادی امپریالیسم بیگانه خوانده می‌شوند. زمامداران کنونی با سوءاستفاده از ناآگاهی بخش‌هایی از عقب‌مانده‌ترین مردم ما که خود محصول شرایط دیکتاتوری دوران شاه هستند و سوءاستفاده از احساسات و عقاید مذهبی مردم همین ارتشی را که دهها هفده شهریور پدید آورده و در طی سالهای گذشته کاری جز دفاع از منافع امپریالیسم و سرکوب مردم محروم ما نداشته است با تغییر نام و جابجا کردن معدودی از مهره‌ها دوباره به کشتار خلقها و نابودی دستاوردهای قیام و دفاع از امپریالیسم و سرمایه‌داران همدست آن گماشته است.

آنچه که بدنبال کشتار هفده شهریور اتفاق افتاد حاوی درسهای فراوانی است. این درسها از یکسو اثبات می‌کند که تنها با مسلح ساختن توده‌های زحمتکش می‌توان دژهای امپریالیسم و ارتجاع را فرو ریخت. از سوی دیگر عمیقتر از هر تجربه دیگر این را به اثبات می‌رساند که تنها یک رهبری حقیقی متعلق به کارگران که قدرت متحد ساختن خلق را بر محور منافع کارگران و دهقانان داشته باشد قادر به برانداختن رژیم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و بنای ایرانی آزاد و دموکراتیک است.

میوه‌چینان انقلاب و مرتجعینی که امروز می‌خواهند برخلاف مسیر تاریخ و برخلاف نیازهای اساسی جامعه ما گام بردارند، در برابر تاریخ پر عظمت خلق به پا خاسته ما چون شهابی دروغین هستند که عوام‌فریبانه و با تکیه بر احساسات مذهبی و ناآگاهی سیاسی و طبقاتی کارگران و دیگر اقشار میهن ما درخشش کاذب و گذرا داشتند. آنان هرچند برای مدتی کوتاه، چشمها و گوشها را به خود مشغول خواهند داشت، اما عمرشان کوتاه‌تر از آن خواهد بود که می‌اندیشند. خورشید آگاهی توده‌ها درخشیدن خواهد گرفت. خواهیم دید که به قدرت رسیدگان امروز درحد کرم شبتاب هم نیستند. خلقهای آگاه و به پا خاسته ما هرگز اجازه ظهور و فرمانروایی به رضاخان‌ها و ضیاء‌الحق‌های کوچکی که خود را برای میراث‌خواری مبارزات

خلق ما آماده می‌کنند نخواهد داشت. خلقهای ما که کوله‌باری از تجارب  
خونین بر دوش می‌کشند، شیوه‌های اعتراض و مبارزه را در شرایط تازه در  
خواهند یافت و انقلابیون بانوان خود در جهت گسترش و تحکیم پیوند خود  
با توده‌های وسیع مردم گام بر خواهند داشت. تا از هر روزنی که پدید  
می‌آید با در دست گرفتن رهبری مبارزات مردم راه بر نفوذ مردم فریبی  
ارتجاع ببندند.

سرانجام پیروزی نهائی از آن خلق‌هاست. این را تاریخ به ما نوید  
می‌دهد.

گرامی باد خاطره شهدای به‌خون خفته هفدهم شهریور  
گرامی باد خاطره همه شهدای خلق  
مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع  
پیروز باد مبارزه ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری خلقهای قهرمان  
ایران

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - ۱۷ شهریور ۵۸